



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۴ مرداد ۱۳۹۹



زهرا قربانی



پژوهش:
محمدصادق
امانی

درباره انواع مواجهه نوجوان ها با

عشق و دیگ

شما به عشق در یک نگاه اعتقاد دارید؟ به نظر من که انتخاب یک عروسک در فروشی قطعا به نسخه های آغازین عشق در یک نگاه برمی گردد. آن دسته از بچه دوم بخوانند قطعا با جناب سهروردی آشنایی پیدا می کنند. ایشان که از فلاسفه عالم بر پایه عشق است و مثلا اگر می بینید بی دلیل یک قاب از روی دیوار یا یک به هم دیگر تمام شده است.

در این چند شماره آخر رفته ایم سراغ موضوعات و حرف های سنگین. حالا هم فعلا عشق در یک نگاه و یک منظر که بعد از خواندنش دست کم یک ر

برای کسی بمیر که برات تب کنه!

این که حسی که در وجودت رخنه کند یک حس واقعی یا تصور بیپوده خیلی مهم است. آدم ها در این مورد دو دسته اند:

آه و فغان و افسردگی های طولانی مدت، از ازدواج بازیگر محبوب تا تغییر تیم فوتبالیست مورد علاقه همیشه در نوجوانی وجود دارد. آدم یک جورهایی در این دوران نه چندان کوتاه یک وابستگی به درو دیوار و آدم های جوروا جور پیدا می کند. از گوشی تلفن بگیر تا دوست صمیمی و...

گاهی وقت ها این احساس وابستگی که اصولا یک طرفه هم هست تمام زندگی آدم را تعطیل می کند و نمی گذارد فکر آدم جمع و جور شود. دیده شده بعضی ها از شدت علاقه به گوشی تلفن شان هر شب از کابوس خرد خاکشیر شدنش پس از افتادن از یک ارتفاع کوتاه از خواب پریده و دیگر خوابشان نبرده است. وابستگی اصولا از احساس ناامنی در روح ناشی می شود و باعث می شود شخصیت آدم مستقل بار نیاید. خلاصه که مواظب باشید و وابستگی را با دلبستگی اشتباه نگیرید.

دلبستگی برعکس وابستگی دو طرفه است. مثل حسی که آدم قرار است در جوانی تجربه اش کند و منجر به پیام های پیوندتان مبارک دوست و آشنا می شود یا حسی که دو دوست به همدیگر دارند و حس متقابلی که همه ما به مادر گرامی داریم، هرچقدر هم که یکی از متهمان ردیف «اول شما، ما نوجوان ها را نمی فهمید» باشند. آدم دلبسته مثل آدم وابسته زندگی اش را به وجود طرف مقابل گره نمی زند که اگر روزی لحظه ای او حضور نداشته باشد یا خدایی ناکرده زبان نویسنده لال از دنیا برود زندگی اش تعطیل شود. دلبستگی حس قشنگی است که اتفاقا باعث رشد روحی و معنوی آدم می شود و شک نکنید سر موقع حکم همان شتری را دارد که بالاخره در خانه همه ما می نشیند.

حقیقی و مجازی کیلوچند!

بر فرض این که حسست واقعی باشه و دلبستگی باشه، این که به چی داری محبت می کنی یا عاشق چی یا کی شدی است. آدم ها اینجا هم دو دسته اند.

اصولا بعد از اختلاف نظرهای اساسی با خانواده و متاسفانه رشد صعودی تُو صدها دیده اید که می گویند، آدم با پدر و مادرش باید خوب صحبت کنه و خدا خودش گفته است تا وقتی که پدر و مادرش خلاف نظر من حرفی نزده اند باید تمام و کمال فرمایشاتشان را بپذیری.

حقیقت ماجرا در محبت داشتن و دوست داشتن ها هم همین است. این که در وجود طرف مقابل که می تواند دوست آدم باشد یا پدر آدم، نشانه ای از خدا را ببینی. اگر یک مادر دوست داشتنی داری که جانت هم برایش در می ورد یک خدایی بوده که او را خلق کرده است. در کل آدم باید از یک محبت واقعی به خدا برسد و قبول داشته باشی یا نداشته باشی آن عشقی که آدم را از خدا دور کند عمرا حقیقی نیست. چه والدین آدم باشد چه دوست و چیزهای دیگر.

بعضی ها هم هستند که مصداق بارز «ایشالا باهاش محشور بشی» اند. مثلا آنقدر بعضی وسایلشان را دوست دارند که احتمالا بدشان نمی آید مثل فرعون های متعدد مصر وسایلشان را با آنها دفن کنند. ما به این جور محبت ها می گوییم مجازی!

از طرفی، دیده اید بعضی ها ذاتا انرژی مثبت خالص اند و از ارتباط با آنها حالتان خوب می شود؟ یکپو می آیند در زندگی آدم و محبوب می شوند با خصلت های خوب دلنشین شان. آدم اگر محبوب خداوند باشد و خدا دوستش نداشته باشد آسمان را به زمین بدوزد و خودش را بکشد عمرا محبوب نمی شود. قطعا در فضای مجازی به آدم های به ظاهر محبوبی که اصلا به دلنشان نمی چسبند برخورد اید. آدم هایی که خودشان را مظلوم جلوه می دهند یا با هر ترفندی از زیبایی گرفته تا مسخره ترین کارها گدایی محبوبیت می کنند و حالا با تمام این نشانی ها می دانید اصلا اشاره به شخص خاصی ندارم!

آثار محبت به دیگ

بالاخره خود خدا گفته محبت به خلق ارزش بالایی دارد. بد نیست بدانیم

محبت
می کند
غم و غ
دور می

محبت به خود شما بر می گردد. یعنی شما با محبت کردن به دیگران در چرخه ای قرار می گیرید که یک روز اثرش نصیب خودتان می شود.

